
علی محمد حاضری
امام خمینی
و احیاگری فلسفه عاشورا


بسم الله الرحمن الرحیم

امام خمینی و احیاگری فلسفه عاشورا

نویسنده:

علی محمد حاضری

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

امام خمینی و احیاگری فلسفه عاشورا

مشخصات کتاب

نویسنده : علی محمد حاضری

ناشر : علی محمد حاضری

چکیده

این نوشتار ضمن معرفی عاشورا به عنوان نمادی ترین صحنه های حق طلبی، ایثار و از خود گذشتگی در تاریخ جوامع بشری به بزرگنمایی جنبه های مرثیه ساریی و ظلمی که بر اصحاب حسین رفته است، اشاره دارد و نادیده گرفته شدن جنبه های ظلم ستیزی و مبارزه آن را یادآوری می کند. هر مکتب و حکومتی به دلیل اهمیت واقعه عاشورا به فراخور مشرب فکری خود، تصویری حقیقی و ناب و یا غیر حقیقی و مخدوش از آن ارائه کرده است تا جائی که حکام ظلم از جمله رضاخان حتی با برگزاری مراسم صوری مبارزه کرده و آن را نشانه عقب ماندگی و رکود مردم و جامعه می دانست و بعضی از روشنفکران به احیاءگران فلسفه عاشورا و کسانی که سعی در آلایش خرافه ها و نشان دادن چهره واقعی قیام فعالیت نموده اند اشاره می کند و از امام خمینی به عنوان احیاگر عاشورا و دنباله روی راه امام حسین که توانست به الهام از حرکت و قیام او بنیاد ظلم یزید زمانه را فروریزد نام می برد و به تشریح افکار امام خمینی در احیاء تفکر سینی در جامعه و غباررویی و زنده کردن جنبه های واقعی قیام امام حسین تأکید دارد و در محور اصلی را نشان می دهد:۱ -نحوه کسب قدرت و حدود مشروعیت نظام حاکم بر جامعه اسلامی۲- حدود اختیار و آزادی افراد مسلمان درون نظام حاکمآنگاه به بررسی جامعه اسلامی یزید در ارتباط با دو محور فوق و دلایل قیام امام حسین (ع) از دیدگاه امام خمینی (ره) می پردازد.

مقدمه

عاشورا از نمادی ترین صحنه های حق طلبی، ایثار و از خودگذشتگی در تاریخ جوامع بشری است. آنچه موجب برجستگی و درخشش روزافزون این حادثه کم

نظیر شده است در درجه اول به خلوص نیت و خداباوری و خدامحوری محض پرچمدار و امام نهضت عاشورا حضرت حسین بن علی، سیدالشهدا، بازگشت دارد ولی این صفای باطنی و عرفان حقیقی در ظرف کلام و مفاهیم صادر شده از قهرمانان آن صحنه و رفتار بیرونی خود و پیرامون آن حضرت، چنان ظهور و بروز یافته که امکان تداوم و الگو انگاری آن را فراهم ساخته و تاکیدها و توصیه های سایر ائمه بزرگوار در فرزوان نگه داشتن این شعله مقدس، نقش تعیین کننده داشته است. عظمت این حادثه و ابعاد گوناگون آن، این فرصت را فراهم آورده است تا دوست و دشمن، عالم و عامی و صاحبان نحله ها و مشربهای گوناگون فکری، فلسفی، کلامی و سیاسی هر کدام به فراخور حال و نیاز باطن و مقصد و مقصود خویش تصویری حقیقی یا کاذب از یک یا چند وجهه این آیه عظیم ترسیم کنند و طبعا به نسبت نزدیکی یا دوری از حقیقت آن، مراتبی از فیض و فضیلت یا خذلان و تباهی را نصیب برده اند. در این میان، سلسله نسلهای شیعیان در پرتو تفسیر و جلوه ای که از آن حادثه از کلام، قلم و همت عالمان، روحانیان و رهبران عقیدتی خود می یافته اند نوعا تعظیم و تکریم و بزرگداشت یاد و خاطره آن را با همه وجود، همت گماشته اند و بر سر این مقصود، تیغ و تازیانه، حبس و حصر و بلا ـ و فشارهای خلفای جور و حاکمان عنود و کینه ورز را که با همه وجود برای خاموش کردن این شعله مقدس می کوشیده اند، به جان خریده و عملا اولین درس نهضت کربلا را در پهنه ای

به وسعت تاریخ و جغرافیای حضور خویش به نوش جان شنیده اند؛ هر چند که در طول روزگاران، گاه از بزرگداشتهای ریاکارانه و فرصت طلبانه بعضی سلسله ها و پادشاهان جور نیز فریب خورده اند.

ضرورت درک فلسفه عاشورا

عظمت بزرگداشتها و همت جانکاه و بعضا خونبار شیعه در حفظ یاد نهضت عاشورا، کمتر با درک فلسفه عاشورا و ماهیت حیاتبخش، ظلم ستیز و رهایی بخش آن همراه بوده است. به استثنای تک ستاره های درخشانی که هر از چند گاهی در آسمان امت اسلامی، ظلم ستیزی عاشورا را با سوختن مظلومانه خویش جلوه گر ساخته اند، روح حاکم بر تاریخ این تکریمها با غیبت درک درست از فلسفه آن همراه بوده است؛ تا آنجا که بعضا یزیدیان عصر، خود «تکیه دولت» می ساخته اند و ریاکارانه مجالس عزاداری حضرت سیدالشهدا را صحنه گردانی می کرده اند.این افتراق و جدایی بزرگداشت عاشورا از فلسفه و هدفهای آن تا به آن حد رسید که در دوره معاصر موجب پاره ای کج فهمیها و بد اندیشیها نیز گردید و بسا افرادی که سر در مشرب مکاتب بیگانه و دل در گرو امیال و مطامع غیر دینی یا ضد دینی داشتند با ژست تجدد طلبی، نوگرایی و ترقی خواهی و استدلالها و ظواهر عوامفریبانه مدعی شدند که این روضه ها و گریه ها و مجالس تعزیه و عزاداری خود موجب جمود، ظلم پذیری، خرافه پرستی و تقدیرگرایی منفعلانه شده و نفی و نکوهش یا استهزا و تمسخر آن را وجهه همت خویش قراردادند [۱] در تداوم همین نگرش بود که از چکمه های رضاخانی نیز برای لگدمال کردن هر گونه اثر و رد پای شعائر و مراسم بزرگداشت عاشورا حمایت شد و همدستی و همنوایی شگفتی بین مدعیان ترقی و آزادی

و منورالفکرهای ضد دین و استبداد خشن و سرکوب گرانه و وابسته رضاخانی در نفی شعائر و مناسک دینی و مجالس وعظ و خطابه و روضه خوانی و عزاداری حضرت سیدالشهدا به وجود آمد. این همنوایی در دوره فرزند رضاخان نیز تداوم یافت؛ هر چند گونه ها و صورت مواضع و اقدامات هر دو جریان تا حدودی تغییر یافت و به سمت اقدامات عمیق و زیرکانه تر در معارضه با دین جهت یافت.در این وانفسای سکون و سکوت و کج فهمی دوستان از یکسو و خباثت و دشمنی و تحریف و تهمت دشمن از سوی دیگر، زمزمه های امید و ستاره های شب شکن، شعله های گرمابخش ظهور و حضور خویش را در دفتر ایام ثبت نمودند و غبار از چهره عاشورا برگرفتند.

احیاگران حقیقت عاشورا

در این مقال بدون اینکه ادعای احصای این شب شکنان را داشته باشیم و با پوزش و اعتذار از اینکه این عدم احصا ممکن است موجب تضییع حقی از افراد ذی حق در این پهنه مقدس باشد به اجمال، اندیشه پاره ای از قله های رفیع این سلسله احیاگر حقیقت عاشورا در چند دهه اخیر را مرور می کنیم.دکتر علی شریعتی یکی از نافذترین قلمها و زبانها را در بازنمایی عاشورا و احیای فلسفه آن به کار گرفت. «مسئولیت شیعه بودن»، «شیعه یک حزب تمام»، «حسین وارث آدم»، «یاد و یادآوران» و «شهادت» از جمله آشکارترین پیامهای وی در معرفی حقیقت ظلم ستیز و حق طلبانه و میراثداری اسلام در آیینه نهضت کربلاست. «تشیع علوی و تشیع صفوی» معرفی تلاشی است که وی به خرج می دهد تا با نوعی سود جستن از زبان جامعه شناسی طبقات و قشربندی اجتماعی و جامعه شناسی سیاسی به قطب بندی و تفکیک صف

حق و باطل از درون مدعیان تشیع بپردازد. در این تحلیل است که او نوعی پاسخگویی به کج فهمی یا شبهات مطرح شده از سوی غرب زده ها و منورالفکرها و مدعیان فلسفه های سوسیالیستی و مارکسیستی را نیز مد نظر دارد و بخشی از واقعیات مورد اشاره و استناد منتقدان را با عنوان تشیع صفوی از تشیع علوی جدا می سازد. از این طریق او ضمن نوعی همنوایی با آنان در محکومیت این برداشت انحرافی و تخدیر کننده از اسلام و تشیع، تفکر وارداتی و تقلید نابخردانه آنها از دیدگاه های بیگانه با واقعیات جامعه بومی و فرهنگ اسلامی را، که مانع از درک حقیقت تشیع ناب شده است، نکوهش و استهزا و افشا می نماید.او می کوشد تا از طریق بازنمایی حماسه عاشورا، تفسیری رادیکال، امروزی و جوان پسند از اسلام ارائه دهد که ضمن توانایی مقاومت در برابر آماج حملات شبهه انگیزان، انرژی و خمیرمایه لازم برای بسیج و یورش فکری و سیاسی به یزیدیان عصر رافراهم آورد. جمله های مشهور او از جمله اینکه: «هر انقلابی دو چهره دارد، خون و پیام» یا «آنان که رفتند کاری حسینی کردند و آنان که ماندند باید کاری زینبی کنند و گرنه یزیدی اند» همچون شعله و جرقه ای در خرمن اذهان مشتاق و سرگشته نسل جوان مسلمان فرود آمد و بزودی موجی از اسلام خواهی توام با روح مقاومت و مبارزه با حکومت جور و وابسته را موجب گردید. هر چند این موج فراگیر احساس اسلامخواهی و اسلامگرایی به دلیل نداشتن عمق کافی در معرض التقاط با دیگر آموزه ها و ایدئولوژیهای به اصطلاح انقلابی نیز قرار داشت و بعضا خساراتی نیز به بار آورد

ولی عمـدتا از مجرای اتصـال به دریـای انـدیشه اسـلام نـاب و فقـاهتی امـام و نهضت وی، تموج حقیقت عاشورای حسـینی را مـوجب گردیـد و کشـتی حـاکمیت یزیـدیان را در گرداب خود فروغلتانـد.شب شـکن دیگر، شـهید مطهری است که از طریق تاملات و دقت نظرهـای ویژه خـویش و بـا شـجاعتی در خـور، «حمـاسه حسـینی» را از غبـار «تحریفـات» برگرفت. او بـا منش استدلالی و تیزبینی خاص خود بخشی از تصورات ناصواب و گزافه گوییهایی که مستندات شبهه انگیزان را تدارک می دید به صواب هدایت کرد. ایشان در عین حال کوشـید با اتخاذ موضع ارشادی و انتقادی نسـبت به برداشتهای آزاد و تا حدودی فارغ از دغدغه «اصالت و اسـتناد به منابع متقن و محکمات دین»، که توسط پاره ای روشـنفکران مذهبی از جمله شریعتی مطرح می شد، احیاگری و پیرایه زدایی از حماسه حسـینی را با وفاداری هر چه تمامتر به مبانی و مسلمات اندیشه دینی توام سازد. تأمل و دقت نظر در منشأ و مسـتندات شعار فراگیر و مقبول «ان الحیاه عقیده و جهاد» که به حضرت امام حسین (ع) نسبت داده می شد از جمله مصـداقهای اینگونه موشـکافیهای متعهـدانه ایشان به شـمار می رود.اما قافله احیاگران عاشورا را قافله سالاری است که وسـعت و عظمت کـار و عمق تامـل و بازنمایی حقیقت حسـینی توسط ایشان با دیگر رهروان این راه قابل قیاس نیست. چرا که وی حمـاسه حسـینی جدیـدی بر پا نمود که به مـدد میراث عاشورا و با همت انصار فـداکارش، «پیروزی خون بر شمشـیر» را با «پیروزی حق بر باطل» عجین و محقق ساخت. این مقال را فرصت و ادعای این نیست که به مقایسه حماسه حسینی و

انقلاب خمینی بپردازد. همچنین ضرورتی به بازگویی ویژگیها و نشانه های معرف فهم عمیق آن حضرت از نهضت کربلا وجود ندارد چرا که لا اقل همعصران این قلم و مخاطبان این سخن، خود شاهد بودند که چگونه امام خمینی «س» با طرح نظری و عملی شعار «خون بر شمشیر پیروز است» و «مکتبی که شهادت دارد اسارت ندارد» «هیهات منا الذله» حسینی و «لا اری الموت الا سعاده» [۲] را به تماشاگه جهانیان برد و «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» را از ۱۵ خرداد ۴۲ تا آخرین لحظات عمر با برکت خویش در خرداد سال ۱۳۶۸ و از کوچه پس کوچه های خمین تا فراز منبر فیضیه و از آنجا تا بورسای ترکیه و نجف و سپس از نوفل لوشاتو تا جماران با همه وجود،مستند ساخت. از بازگویی جمله ها و سخنان ایشان در ترسیم چهره حقیقی عاشورا نیز درمی گذریم و مخاطبان را به مجموعه گرانقدری، تحت عنوان «قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی» توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار آن حضرت منتشر شده است حوالت می دهیم.».

روش امام خمینی در احیای فلسفه عاشورا

در اینجا به همین مختصر اکتفا می کنیم که نگاه امام خمینی به میراث عاشورا، نگاه تعالی بخش و در عین حال قدردان خدمات گذشتگان بود. ایشان در عین حال که خود عمیقترین تحول نظری و عملی نسبت به درک عاشورا و نهضت حسینی را نشانه رفته بود، نقدی احترام آمیز به برداشتهای رایج از سنت میراثداری عاشورا داشت و قدر و ارزش همین مجالس و محافل سنتی عزاداری و بزرگداشتهای صوری را در حفظ اساس نهضت و انتقال کلیت پیام آن بخوبی می شناخت و با بیان اینکه «ما هر

چه داریم از محرم است» و «محرم و صفر است که اسلام را زنـده نگه داشـته است» و «با ذکر مصائب اهل بیت، این مذهب تا حالا زنده مانده است»، وامداری خود را به سـنت سلف نشان می داد و بعضا با لحنی احترام آمیز خطای روشـنفکران متدین را در کم اعتنایی یا نادیده انگاشـتن خدمات گذشـتگان گوشـزد می نمود. ایشان با یادآوری این نکته که بعض علمای سلف به لحاظ وضعیت زمانی و موقعیتهای خاص ممکن است تکلیف خود را در حمایت از دین از طریق نوعی ورود در دستگاه حاکمان یافته باشند بر خلاف سنت انقلابی نمایی رایج از صدور حکم محکومیت تمام کسانی که از مشی مبارزه آشکار فاصله گرفته بودند، ابا داشت [۳] در عین حال با تعبیر به اینکه همه ائمه (ع) علی رغم اختلاف وضعیت، که به اختلاف مشی مبارزه می انجامید، «اصل مبارزه با باطل» را با جدیت تمام دنبال می کردند، برداشت راحت طلبانه دینمداران عافیت طلب را افشا می نمود و از همین موضع بود که می فرمود «لازم است در نوحه ها و اشعار مرثیه و اشعار ثنای ائمه حق (ع) بطور کوبنده فجایع و ستمگریهای ستمگران هر عصر و مصر یادآوری شود. [۴] نکته مهم دیگری که باید به آن اشاره شود، موضع هوشیارانه امام در برابر طرح موضوعاتی است که صرف نظر از صحت و سقم مضمون و محتوای آن، ممکن بود به صورت عاملی برای انحراف از مصائب و موضوعات ومشکلات اصلی عمل کند. در قلمرو مباحث و دقت نظرهای علمی - تاریخی مربوط به عاشورا و حماسه حسینی، آشکارترین ویژگی موضعگیری امام در برابر «کتاب شهید جاوید» از همین

دیـدگاه است. امام بدون اینکه رسـما در غوغای مطرح شده در رد یا تأیید مدعاهای کتاب شـهید جاوید وارد شوند، طرح این موضوعات جنجالی و سپس جنجال آفرینیهای موافقان و مخالفان را خطری برای انحراف اذهان از مسأله اصلی یعنی جنایات و خیانتهای رژیم وابسـته شاه می دانستند. [۵] .مسـلم است که امام خمینی با حسن اسـتفاده از میراث بزرگداشت عاشورا و احیا و اصـلاح ابعاد فراموش شده یا بد فهمیده شده آن، خیل عظیم دوسـتداران و محبان اهل بیت را به سرچشـمه کوثر حقیقی کربلا رهنمون شـد و از توده وسـیع امـا خـاموش و بی خطر عزاداران، مـداحان، گوینـدگان و مرثیه سـرایان فاجعه کربلا، لشـکرهای فریادگر، هدفمند و شهادت طلبی سامان داد که بنیاد بیدادگری، ظلم و بیگانه و بیگانه پرستی را در کام آتش افروخته از ایمان به «کل یوم عاشورا» فروبلعیـد. به یمن احیای فلسـفه عاشورا بود که عاشورای ۴۲ آغازگر نهضتی شـد که در عاشورای ۵۷ سند ختم مشـروعیت و مقبولیت رژیم وابسـته شاه را به امضای همه مراکز خبری و محافل تصـمیم گیری حامیان شاه رساند و به این ترتیب یکی از مسـتحکمترین نظامهای یزیـدی تاریـخ به مـدد فهم درست نهضت عاشورا به موزه تاریخ سـتم پیوست. در طول حوادث بعـد از انقلاب و شـرارتهای گروهکهـای ضـد انقلاب و بویژه در خلال هشت سال تحمیل جنگ، ملت ما با الهام از عاشورا، دفاع مقدس خود را به عنوان مظهری از عمل «حسـین گونه» تدارک دید. بر این اساس در حال حاضـر سخن گفتن از دلائل و شواهد مؤید احیای فلسفه حسینی در نهضت خمینی، تکرار بدیهیات به شمار می آید و طبعا به استثنای

ضرورت ثبت همین بدیهیات در تاریخ، نقل آن در چنین مجامعی لازم نیست.

استمرار حضور فلسفه حقیقی عاشورا

برای تحکیم و استمرار حضور و نفوذ فلسفه حقیقی عاشورا در تداوم نسلها و پرهیز از رواج مجدد تکریمها و بزرگداشتهای عاری از هدف، که متأسفانه آثار و قرائن آن را شاهدیم [۶] تأملی دوباره در فلسفه عاشورا را نیازمندیم.بر این اساس، بازنگری دلائل عظمت و راز جاودانگی نهضت عاشورا و جستجوی حکمت و فلسفه این همه تأکید بر حفظ یاد و خاطره آن از سوی ائمه معصومین (ع) می تواند رهگشا باشد.به نظر می رسد برداشت سنتی و مرسوم، عمدتا عظمت عاشورا را در عمق فاجعه جنگی و ددمنشی دشمن و به عبارت دیگر، عدم رعایت اخلاق جنگ از سوی لشکر اموی می یابد. مضمون بیشتر مرثیه ها و مقاتل از بستن آب و تشنگی مفرط یاران و اهل بیت اباعبدالله الحسین (ع)، تیرباران و سنگ باران کردن، بریدن و بر سر نیزه کردن سر حضرت، تاراج اموال و لوازم کشتگان و اسیران، راندن اسب بر اجساد، آتش زدن خیمه ها و اسارت بردن زنان و کودکان و... حکایت و شکایت می کند.محور دیگری که ادبیات سنتی عاشورا و مقاتل بر آن تأکید می کند، نسبت و مناسبات عاطفی و محبت آمیز، بین حضرت رسول و پیامبر عظیم الشأن اسلام و دخت گرامیش زهرای مرضیه (س) با نوادگان و فرزندان گرانقدرشان است که از سوی سپاه اموی نادیده انگاشته شده است. واقعیت این است که همانطور که پاره ای از محققان و صاحبنظران مقید و معتقد شیعه از قبیل استاد شهید مرتضی مطهری و دکتر سید جعفر شهیدی نیز تصریح کرده اند، بخشی از مضامین این قبیل مرثیه ها از دقت و مستندات

کافی تاریخی برخوردار نیست و عوامل مختلفی دست اندکار شده است تا حداقل نوعی غلو و اغراق گویی در ترسیم بعضی از صحنه های کربلا به وجود آید. [۷] .صرف نظر از این قبیل تحریفات و اغراقها، اگر بخواهیم عظمت عاشورا را در عمق این قبیل جنایات جنگی جستجو کنیم به کجراهه رفته ایم چرا که تامل در تاریخ جنگها بطور عموم و نیز تاریخ جنگهای واقع شده در تاریخ اسلام و ایران بخوبی نشان می دهد فاجعه های جنگی و ددمنشیهای مشابه و غالبا فجیعتر در تاریخ کم نبوده است و اگر قرار بود با این ملاک به حوادث تاریخ اسلام و ایران نگریسته شود برجستگی عاشورا توجیه پذیر نبود. اتفاقا به لحاظ حضور و نفوذ ارزشها و تعالیم اسلام و آثار تربیتی پیامبر اکرم (ص)، که امت اسلامی هنوز فاصله چندانی از آن نگرفته بود و خیل عظیم توده سپاه دشمن نیز، خود را به آنهامعتقد می دانست، در مقایسه با جنایات جنگی معمول، حوادث عاشورا از حداقل اخلاق جنگی نیز بی بهره نبوده است که در جای خود می توان آنها را احصا کرد.بدیهی است این سخن هرگز به معنی اخلاقی پنداشتن یزید و سران سپاه اموی، که خود در رأس مفسدان و جنایتکاران تاریخ به شمار هستند، نیست، بلکه سخن در این است که به لحاظ آثار فرهنگ و تربیت عصر پیامبر و حضور و نفوذ سطوحی از اعتقادات اسلامی نزد توده سپاهیان فریت خورده، یزیدیان در اعمال حداکثر جنایات جنگی مورد نظر خود آن هم در مورد خاندان پیامبر دچار محدودیتهایی بوده اند.از سوی دیگر موضوع پیوندهای خونی و نسبی و عواطف و احساسات خویشاوندی و خانوادگی بین پیامبر اسلام

و حضرت حسین بن علی (ع) و خاندانش گرچه توام با اصل اعتقاد به حقانیت راه و موضع آن حضرت، مسأله بسیار مهم و تعیین کننده ای است اما اگر از وجه دیگر آن یعنی صحت و درستی موضع اعتقادی و سیاسی حسین بن علی (ع) در برابر خلیفه غاصب جدا شود، جداگانه نمی تواند مسأله مهم و قابل اعتنایی باشد، بلکه تاریخ و سنت دینی آشکار شاهد تقدم و اولویت ارزشهای اعتقادی در مقابل احساسات و عواطف خویشاوندی و حتی دوستیها و همسنگریهای یاران و همرزمان سابق است که به لحاظ پیدایش اختلاف و تفاوت مشرب عتقادی، در دو جبهه مقابل به منازعه و حتی قتال علیه یکدیگر برخاسته اند و چنین تنازع و قتالی نه تنها مذموم شمرده نمی شود بلکه برای افراد جبهه حق، این غلبه بر احساسات و عواطف و فائق آمدن بر کششها و تمایلات ناشی از خویشاوندیها و دوستیها، ارزش و امتیازی ممدوح و ستایش برانگیز به شمار می رود.

رمز جاودانگی قیام امام حسین

به این ترتیب رمز جاودانگی و عظمت عاشورا را بادی در امر دیگری جستجو کرد و اتفاقا این وجه از حادثه عاشوراست که در طول تاریخ تا قبل از انقلاب اسلامی ایران تعمدا از سوی حاکمیت غاصب و نیرهای مسلط بر امت اسلامی بطور عام و نیز جامعه شیعی مورد تغافل قرار گرفته است. شاید بتوان وجه مورد نظر را در دو محور اصلی به شرح زیر مورد تحقیق قرار داد:۱- چگونگی کسب قدرت رهبر و حدود مشروعیت نظام حاکم بر جامعه اسلامی۲- حدود اختیار و آزادی افراد مسلمان درون نظام حاکمبدیهی است در اینجا بحث نظری در مورد شرایط و لوازم مشروعیت رهبر

و نظام حکومت در اسلام و تکالیف و اختیارات آحاد مردم و رهبری مورد نظر نیست بلکه تامل در موضوع بر اساس مصداق معین آن در حادثه عاشورا مورد عنایت است؛ پس مساله این است که نظر امام حسین (ع)، حدود مشروعیت و یا دلایل عدم مشروعیت حکومت یزید چه بود. چه تفاوتی بین حکومت یزید با معاویه و خلفای قبلی وجود داشت؟ چه خطر جدیدی اسلام را تهدید می کرد؟ اوضاع سیاسی، وضعیت اجتماعی و جبهه بندی نیروهای درون امت اسلامی دچار چه تغییراتی شده بود که عدم بیعت با یزید یا قیام و خروج علیه حکومت او را الزامی می کرد؟به نظر می رسد اگر این مسائل بطور جدی مورد تامل نباشد و دلایل عدم مشروعیت نظام یزیدی در کانون مباحث مربوط به حادثه عاشورا قرار نداشته باشد به گونه ای که اصل اقدام یزید به عنوان حرکت حاکم مسلمین علیه افراد یاغی و خروج کننده بر حکومت تلقی شود، آنگاه چون و چرا در جزئیات این حادثه و تخلفهای اخلاقی و رفتار خشن سپاهیان یزید در برخورد با لشکر و اصحاب معدود امام حسین (ع)، که حجم انبوه از تاریخ و محتوای مقاتل را تشکیل می دهد، چندان وجهی نخواهد داشت.بدیهی است تامل در این موضوع نیز نمی تواند صرفا بر اساس معتقدات مسلم شیعه در وصایت و امامت منصوب حضرت علی (ع) و دیگر ائمه بزرگوار شیعه، که هر گونه حاکمیت غیر آن را غاصبانه می شمارد، صورت گیرد؛ بلکه بحث بر سر مقایسه و تطبیق مواضع حضرت علی (ع) و امام حسن (ع) و امام حسین (ع) با خلفای راشدین و مغویه و دلایل توجیهی و مؤید

پیدایش تفاوت اساسی در زمان یزید است به گونه ای که بتواند اصل قیام و اقدام امام حسین (ع) را توضیح دهد. مسلما در ادبیات شیعه و عاشورا این نکات به کلی مورد غفلت نبوده است ولی سخن بر سر وزن و حدود اعتنا و توجه به آنهاست که باید بیشتر مورد عنایت قرار گیرد.محور، دیگر حدود اختیار و آزادی افراد در نظام اسلامی است که در ارتباط با حادثه عاشورا، بحث الزام به بیعت با یزید را مطرح می کند؛ به عبارت دیگر در محور اول، بحث بر سر مشروعیت و عدم مشروعیت حکومت یزید و دلایل مشروعیت و حتی ضرورت و وجوب قیام و خرج علیه آن است در حالی که در محور دوم، قیام و خروج ابتدایی مد نظر نیست. بحث این است که آیا یزید (صرف نظر از حدود مشروعیت خود) حق دارد به زور از امثال حسین بن علی (ع) بیعت بخواهد؛ آیا اگر الزام به بیعت نبود حادثه عاشورا رخ می نمود؟ حادثه عاشورا نتیجه اقدام حسین بن علی (ع) برای رویارویی با حکومت یزید است یا نتیجه ملزم نمودن امام حسین (ع) به بیعت با یزید؛ به عبارت دیگر، با فرض امتناع از بیعت، آیا حضرت امام حسین (ع) می توانست زنده بماند؟ همینگونه سؤالها در مورد سایر مدعیان خلافت و حاکمیت بر مسلمین و رابطه آنها با آحاد امت نیز قابل طرح است.تامل در اینگونه سؤالهاست که اصل وقوع فجایع حادثه عاشورا و عملکرد یزیدیان از یکسو و اوج ایثار و مقاومت و تعهد به اصول و ارزشها از سوی حضرت سیدالشهدا (ع) را بخوبی تبیین می کند و خباثت و دنائت و

بطلان موضع یزیدیان را بر ملاـ می سازد و از همین موضع است که زنده نگاه داشتن عاشورا، زنده نگهداشتن اسلام و ارزشهای آن است و این سخن حضرت رسول که «حسین منی و انا من حسین» تعبیر زیبا و حقیقی خود را بازمی یابد.

دلایل مشروعیت نداشتن نظام یزیدی

با عنایت به این نکات و مباحث است که امام خمینی در احیای فلسفه عاشورا در پاسخ به سؤالهای محور اول، یعنی دلایل نداشتن حداقل مشروعیت نظام یزیدی و لزوم رویارویی با آن، «ضمن استنتاد به اصل اساسی امر به معروف و نهی از منکر» به موارد زیر اشاره می کنند. [۸] .۱- تبدیل عملی خلافت به سلطنت موروثی یعنی انحراف در اساس نظام حکومت اسلامی۲- نفی اساس وحی و احیای اندیشه تفاخرات نژادی و ملی گرایی و عروبت به جای ارزشهای اعتقادی و منبعث از وحی (لا خبر جاء و لاـ وحی نزل) [۹] .۳- استثمار و نفی عدالت۴- اعمال حاکمیت جور و نفی حرمت جان و مال مسلمین.۵- شکستن حرمت احکام الله و تظاهر به نقض شعائر دینموارد فوق عمدتا دلایلی هستند که مشروعیت حکومت یزید را نفی کرده، و عدم بیعت حضرت سیدالشهدا را با آن حکومت توضیح می دهد.بدیهی است بعضی از این محورها کما بیش در دورانهای دیگر نیز ظهور یافته ولی تجمع این خصوصیات در حکومت یزید محقق گشته بود و همین عامل، توجیه کننده موضع خاص آن حضرت در برابر یزید به شمار می رود.

حدود آزادی افراد در برابر حکومت

درباره محور دوم، یعنی تکالیف و حدود آزادی و اختیار افراد در برابر حکومت و توضیح موضع حضرت سیدالشهدا (ع) در این زمینه، بیان صریح و مستقیمی از امام خیمینی سراغ نداریم و نگارنده نیز فاقد صلاحیت و بضاعت لازم برای اتخاذ موضع از منابع دینی و تاریخ است؛ ولی اگر سنت و روش عملی حضرت امام خمینی در دوران حاکمیت و نیز قوانین و مقررات مصوب در دوران رهبری آن حضرت را، که قاعدتا نمی توانسته است مورد

تأیید ایشان نباشد، ملاک قرار دهیم، با احتیاط می توانیم بگوییم در صورت حضور و وجود حکومتی که مشروعیت آن تا بدان حد سلب نشده باشد که قیام و خروج علیه آن را ایجاب کند، برای هر یک از مسلمین پیروی از نظامات و مقررات آن حکومت تا جایی که خلاف شرع نباشد، الزامی است با عنایت به این مجموعه ملاحظات است که می توان گفت، رمز عظمت و جاودانی عاشورا در تعالیم شیعه، بیش از اینکه مبتنی بر بزرگداشت صوری آن باشد به تامل در فلسفه و هدفهای متعالی آن وابسته است و در غیبت جنین تاملی است که همیشه این خطر وجود داشته است که حاکمیتهای جور و یا حتی حاکمیتهای نسبتا مشروع به نام اسلام و به نام اعمال خلافت شرعی، ضمن پایمال نمودن حقوق و آزادیهای مشروع مردم یا کم اعتنایی به جوانب آن از آنان بیعت الزامی طلب کنند و در عین حال به تکریم و بزرگداشت ظاهری عاشورا پرداخت با استناد و اتکا به «تکیه های دولت و مجالس پر زرق و برق آن»، فریاد حق طلبانه مخالفان یا منتقدان را خاموش سازند.این واقعیتی است که به استثنای معدود سالیان تحقق حکومت عدل در صدر اسلام، تاریخ ۱۴ قرن مسلمین و حتی تاریخ چندین قرن حاکمیت سلسله های شاهان شیعی در ایران گواه آن است. وقوع انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی در ایران تحت زعامت حضرت امام خمینی (س)، که با عبرت آموزی از این غصب و بدعتها و به یمن احیای فلسفه عاشورا محقق گشت، یکبار دیگر امید به پایان پذیری چنین ستم و انحرافی را در دلهای ستمدیدگان تاریخ و مسلمین

سراسر عـالم زنـده کرد و بشـریت را در معرض نـابترین تجربه حاکمیت حق و عـدالت علوی قرار داد. اینکه در تـداوم راه آن احیـاگر اسـلام و تشیع ناب در شـرایطی که پرچم این نهضت حق طلبانه بر دوش مقام معظم رهبری قرار گرفته، بر همه پیروان تشیع علوی است تا همنوا با معظم له و با اطاعت و حمایت از ایشان، شـعله روشـنگر راه نهضت امام را هوشـیارانه پاسدارنـد و مانع از آن شوند تا خدای ناخواسته در آینده، بار دیگر تکریمهای صوری، مقتل و مذبح عاشورا گردد.

پاورقی

[۱] از جمله می توان به کتاب اسرار هزار ساله نوشته علی اکبر حکمی زاده و نیز آثار احمد کسروی اشاره کرد.

[۲] اشاره به سـخن مشهور حسین بن علی (ع) که فرمود، «انی لا اری الموت الا سعاده و الحیات مع الظالمین الا بر ما» مرگ را جز سعادت نمی دانم و حیات توام با پذیرش ظالمین را جز ننگ نمی شناسم.

[۳] رجوع کنید به صحیفه نور، ج ۱، ص ۲۵۸.

[۴] قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی، ص ۹۱.

[۵] رجوع کنید به صحیفه نور، ج ۲، ص ۲۵۰ و نیز صحیفه نور، ج ۶، ص ۲۲۸، ۲۹.

[۶] عنایت و تأکید مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای بر خرافه زدایی از عاشورا و پرهیز از قمه زنی که طی دو سال گذشته در پیامهای آغاز ماه محرم به آن اشاره شده، مؤید بروز اینگونه قرائن است.

[۷] ر. ک به: استاد شهید مطهری، حماسه حسینی و تحریفات عاشورا، جلد ۲.

[۸] موارد فوق استنباط نگارنده از مواضع حضرت امام برگرفته از ص ۲۹ -۳۶ کتاب قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی

است.

[۹] اشاره به شعر عبـدالله بن زبغری است که اساس وحی و نبوت را انکار می کرد و یزید در رویارویی با اسـیران کربلا آن را زمزمه می کرد.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹